



یادداشت‌های قرآنی

دکتر فریدون سیامکنزاد

یادآوری

این نکته را باید در نظر داشته باشیم که کفار عذاب دردناکی در آخرت خواهند داشت. این آیه می‌گوید در قیامت، کفار بر آتش عرضه می‌شوند. شبیه این آیه، در آیه ۲۶ سوره مؤمن در باره عذاب برزخی فرعونیان آمده است و چنین می‌فرماید که هر صبح و شام، آن‌ها بر آتش دوزخ عرضه می‌شوند. همان‌گونه که ملاحظه می‌فرمایید، به بهره‌گیری کافران از طبیات و لذایذ زندگی دنیا اشاره شده است.

مسلماناً تمتع از مواهب الهی در این جهان کار نکوهیده‌ای نیست، آن چه نکوهیده است،

بسم الله الرحمن الرحيم

وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَلَيْسَ لَكُمْ طَبِيبَاتٌ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا وَاسْتَمْتَعْتُم بِهَا فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَفْسُقُونَ (آیه ۲۰ سوره احقاف)

آن روز که کافران را بر آتش عرضه می‌کنند (به آن‌ها گفته می‌شود): از طبیات و لذایذ در زندگی دنیای خود استفاده کردید و از آن بهره گرفتید، اما امروز عذاب ذلت بار، به خاطر استکباری که در زمین به ناحق کردید و به خاطر گناهانی که انجام می‌دادید، جزای شما خواهد بود.

اگر راست می‌گویی، عذابی را که به ما وعده می‌دهی بیاور!

یادآوری

این نکته را باید در نظر داشته باشیم که قرآن مجید بعد از ذکر قضایای کلی در باره افراد مشرک و لجوج و خود خواه، به بیان مصداق‌های قابل ملاحظه آن می‌پردازد، تا آن کلیات را پیاده کند.

در این جا نیز بعد از شرح حال مستکبران سرکش و هوسران، به ذکر داستان قوم عاد (در آیه قبل این آیه) که نمونه واضحی از آن است پرداخته و می‌گوید: برای این مشرکان مکه، سرگذشت هود در قوم عاد را یادآوری کن.

اگر چه هود افراد قوم عاد را بشارت می‌داد و به خدا پرستی دعوت می‌کرد و از این که سرکشی کنند، اندازشان می‌نمود و وعده عذاب الهی به آن‌ها می‌داد، اما این قوم لجوج و سرکش، در برابر این دعوت الهی ایستادگی کردند و به هود گفتند: آیا تو آمده‌ای که ما را با دروغ‌های خود از خدایمان برگردانی؟

اگر راست می‌گویی، عذابی را که به ما وعده می‌دهی بیاور!

این دو جمله به خوبی بیانگر انحراف و لجاجت این قوم سرکش است. چرا که در جمله اول می‌گویند چون دعوت تو بر خلاف معبودانی است که ما به آن خو گرفته‌ایم و از نیاکان خود به ارث برده ایم، کاری مبتنی بر دروغ و افترا است.

غرق شدن در لذات مادی و فراموش کردن یاد خدا و قیامت، با بهره‌گیری گناه‌آلود و بی‌قید و شرط از این لذات و غصب حقوق دیگران در این رابطه است.

قابل توجه این که، این تعبیر که تنها در این آیه از قرآن مجید دیده می‌شود، اشاره به این است که گاه انسان از لذات دنیا چشم می‌پوشد، یا جز به مقدار لازم برای نیرو گرفتن در کارهای الهی از آن‌ها بهره نمی‌گیرد، در این صورت گویی این طبیعت را ذخیره برای آخرتش کرده است، ولی بسیار می‌شود که هم چون چهار پایان، بدون قید و شرط از آن‌ها بهره می‌گیرد و همه را به نابودی می‌کشانند و نه تنها چیزی برای آخرت ذخیره نمی‌کند، بلکه کوله باری از گناه نیز برای خود فراهم می‌سازد.

به این دلیل است که این آیه چنین می‌فرماید که به سوی طبیعتی بروید که در زندگی خود از آن استفاده می‌کردید.

این نکته را هم در این باره عنوان کرده‌اند که می‌گوید: شما روزی‌های پاکیزه‌ای را که داشتید، در طریق شهوات خود مصرف کردید و در طریق خشنودی خداوند انفاق نکردید (یکشنبه ۱۴۰۰/۱/۸).

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قَالُوا أَجِئْنَا لِنَتَّكِفَنَّ عَنِ الْهَيْئَةِ فَاْتِنَا بِمَا تَعْدُنَا
 اِنْ كُنْتُمْ مِنَ الصَّادِقِينَ (آیه ۲۲ سوره احقاف)
 آن‌ها گفتند: آیا آمده‌ای که ما را (با دروغ‌های خود) از معبودان مان بازگردانی؟!

حضرت هود در پاسخ این تقاضای نابخردانه چنین گفت: علم و آگاهی تنها نزد خداوند است.

خداوند تبارک و تعالی است که می‌داند در چه زمان و با چه شرایطی، عذاب استیصال (عذاب ریشه کن کننده) نازل می‌گردد. این عذاب نه به تقاضای شما مربوط است و نه به میل و اراده من نازل می‌شود. باید هدف، که اتمام حجت است حاصل گردد، چرا که حکمت الهی چنین اقتضا می‌کند.

سپس حضرت هود افزود: مسؤولیت اصلی من همین ابلاغ رسالت الهی است، اما تصمیم‌گیری در مورد اطاعت پروردگار با شما است و اراده و مشیت عذاب نیز با خود او است، ولی من شما را گروهی می‌بینم که پیوسته در جهل و نادانی اصرار دارید.

ریشه بدبختی شما نیز همین جهل است. جهلی توأم با لجاجت و کبر و غرور، که به شما اجازه مطالعه دعوت فرستادگان خدا را نمی‌دهد. جهلی که شما را وادار به اصرار بر نزول عذاب الهی و نابودیتان می‌کند. اگر مختصر آگاهی داشتید، حداقل احتمال می‌دادید که در برابر تمام احتمالات نفی، یک احتمال اثبات نیز باشد، که اگر صورت پذیرد، چیزی از شما باقی نخواهد ماند (سه‌شنبه ۱۴۰۰/۱/۱۰).

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَلَقَدْ أَهَلَكْنَا مَا حَوْلَكُمْ مِنَ الْقُرَىٰ وَصَرَّفْنَا
الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ (آیه ۷۲ سوره احقاف)
ما آبادی‌هایی را که پیرامون شما بودند

در جمله دوم تقاضای عذاب می‌کنند، عذابی که اگر رخ دهد، راه بازگشتی در آن مطلقاً نیست. کدام عاقل تمنای چنین عذابی را می‌کند، هر چند به آن یقین داشته باشد. بنابراین، مشخص می‌شود که افراد لجوج و خودخواه و مستکبر، به واسطه وابستگی‌ها و منافع خود و جناحی که به آن وابسته هستند، در برابر رسالت پیامبران ایستادگی می‌کردند (دوشنبه ۱۴۰۰/۱/۹).

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قَالَ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَأُبَلِّغُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ
بِهِ وَلَا كُنْتِي أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ (آیه ۲۳
سوره احقاف)

گفت: علم (آن) تنها نزد خدا است (و) او می‌داند چه زمانی شما را مجازات کند. من آن چه را به آن فرستاده شده‌ام به شما می‌رسانم (وظیفه من همین است)، ولی شما را قومی می‌بینم که پیوسته در نادانی هستید.

یادآوری

باز هم بحث پیرامون رسالت حضرت هود است که قوم عاد را نصیحت می‌کرد و آن‌ها را به یکتا پرستی دعوت می‌نمود. با توجه به این که قوم لجوج و سرکش عاد، در برابر حضرت هود ایستادگی می‌کردند و حاضر به قبول رسالت او نبودند، عذاب الهی را تکذیب می‌کردند و از او می‌خواستند که اگر راست می‌گوید، عذاب خداوند را به آن‌ها نشان دهد.

گناه و عصیان و کفر، به عذاب‌های گوناگون گرفتار شدند.

هر یک از این‌ها آینه عبرتی بودند و هر کدام شاهد و گواه گویایی، چگونه با این همه وسایل بیداری، باز بیدار نمی‌شوند؟

سپس اضافه می‌کند: ما آیات خود را به صورت‌های گوناگون برای آن‌ها بیان کردیم، شاید باز گردند.

گاهی این آیات به صورت معجزات، گاه از طریق نعمت، گاه به شکل بلا و معصیت و... به آن‌ها نشان داده شد.

ولی آن‌ها در اثر کبر و غرور و خود خواهی و لجاجت هدایت نیافته و در گمراهی خود باقی ماندند (چهارشنبه ۱۳۰۰/۱۱/۱۱).

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فَلَوْلَا نَصْرُهُمُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ
قُرْبَانًا آلِهَةً بَلْ ضَلُّوا عَنْهُمْ وَذَلِكَ أَفْكُهُمْ وَ
مَا كَانُوا يَفْقَهُونَ (آیه ۲۸ سوره احقاف)

پس چرا معبودانی را که غیر از خدا بر گزیدند (به گمان این که به خدا نزدیکشان سازد) آن‌ها را یاری نکردند؟! بلکه از میانشان گم شدند! این بود نتیجه دروغ آن‌ها و آن چه افترا می‌بستند.

یادآوری

کسانی که معبودانی غیر از خداوند تبارک و تعالی را برای خود برگزیدند، به گمان این که به خدا نزدیکشان سازد، نه تنها در گمراهی آشکاری بودند، بلکه به هیچ وجه

نابود ساختیم و آیات خود را به صورت‌های گوناگون (برای مردم آن‌ها) بیان کردیم، شاید باز گردند.

یادآوری

خداوند تبارک و تعالی به شکل‌های مختلف در قرآن مجید به مشرکان و کافران از خدا بی‌خبر هشدار داده که عذاب الهی را بر آن‌ها فرود خواهد آورد.

یکی از مسائلی که پیرامون این مسأله به کرات در قرآن مجید آورده شده است، از بین رفتن آبادی‌هایی است که پیرامون این‌گونه افراد و قوم ایشان وجود داشته است. در این رابطه نیز، آیات خداوند یکتا به این مردم عرضه شده و آن‌ها را به این آیات توجه داده است.

از این رو، آیه فوق برای تأکید بر مطالب گفته شده و پند و اندرز بیش‌تر، مشرکان مکه را مخاطب ساخته و می‌گوید: نه تنها قوم عاد، بلکه ما اقوام سرکشی را که در اطراف شما زندگی می‌کردند هلاک کردیم. اقوامی که سرزمین آن‌ها از شما چندان دور نیست و تقریباً در گرداگرد جزیره عرب، جایگاه‌شان بود.

اگر قوم عاد در سرزمین احقاف در جنوب جزیره زندگی می‌کردند، قوم ثمود در سرزمینی به نام حجر در شمال جزیره و قوم سبا با آن سرنوشت دردناکشان در سرزمین یمن، قوم شعیب در سرزمین مدین در مسیر شما به سوی شام، هم‌چنین قوم لوط در همین منطقه زندگی داشتند و بر اثر کثرت

که مبدأ هیچ اثر و مفید هیچ فایده‌ای نیستند و به هنگام حادثه گم و گور می‌شوند، چگونه شایسته پرستش و عبودیت هستند؟! در پایان آیه نیز چنین می‌فرماید که این بود

نتیجه دروغ آن‌ها و آنچه را افترا می‌بستند!

در حقیقت باید گفته شود که این هلاکت و بدبختی، این عذاب‌های دردناک و این گم شدن معبودان در زمان حادثه، نتیجه دروغ‌ها و پندارها و افتراهای آن‌ها بود.

از خداوند می‌خواهیم که به ما توفیق دهد تا افراد راست‌گویی باشیم. از درگاهش مسئلت می‌نماییم که مصلحان و رهبران جامعه را طوری هدایت فرماید که در گفتار و کردار خویش، مروج دوری از وسوسه‌های شیطان رجیم و شیطان‌های زمینی بوده، اجتماع و مردم را به رعایت اصول اخلاقی، تشویق و ترغیب نمایند (پنج شنبه ۱۳/۱/۱۴۰۰).

ایام‌تان به کام، عاقبت‌تان ختم به خیر.

التماس دعا.

آن‌ها را یاری نکردند. به عبارتی، باید گفته شود که این معبودان خیالی، آن چنان پوچ و بی‌اراده بودند، که گویی در میان آن‌ها گم شده‌اند.

از این رو، آیه مذکور این گونه افراد را مورد سرزنش قرار داده و با این بیان شدیداً محکوم می‌کند: پس چرا معبودانی را که غیر خدا برگزیدند، به گمان این که آن‌ها را به خدا نزدیک می‌کنند، در آن لحظات سخت و حساس به یاری آن‌ها نشتافتند.

راستی اگر این معبودان بر حق بودند، پس چرا پیروان خود را در آن مواقع حساس یاری نکردند و از چنگال عذاب‌های هولناک نجاتشان ندادند؟

این خود دلیلی محکم بر بطلان عقیده آن‌ها است، که این معبودان ساختگی را پناهگاه روز بد بختی خود می‌پنداشتند!

سپس می‌افزاید: نه تنها به آن‌ها کمکی نکردند، بلکه از میان آن‌ها گم شدند.

موجوداتی این چنین بی‌عرضه و بی‌ارزش،